



سید ابوالحسن رفیعی قزوینی
اوستاد اوستادان

فاطمه شهیدی

از ویژگی‌های
سید ابوالحسن
رفیعی قزوینی
که به‌ویژه شاگردانش به
آن اشاره می‌کنند
آنچه بیش از همه
چشمگیر و خاص است،
حافظه قوی و تبحر ویژه
او در تقریرات موجز،
مستدل و واضح از مباحث و
موضوعات فلسفی
به‌ویژه در فلسفه
ملاصدرا و ابن‌سینا
بوده است.

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی که خود را در آثارش به گونه‌هایی همچون ابوالحسن ابن الخلیل حسینی، ابوالحسن حسینی، میرزا ابوالحسن قزوینی و ... معرفی می‌کند، در سال ۱۳۰۶ ش در شهر قزوین متولد شد. پدرش سیدمیرزا ابراهیم، نوه سیدمیر رفیع از نوادگان سیدمیرمحمد زمان طالقانی اصل قزوینی است و نسبت مادری‌اش نیز به حاج سیدابراهیم معروف به صاحب ضوابط الاصول و دلائل الاحکام و آقا سید صاحب حواشی می‌رسد.^۱

سید ابوالحسن رفیعی مقدمات دروس حوزوی سطوح را در مدرسه صالحیه قزوین نزد اساتیدی همچون ملاعلی طارمی و ملاعلی اکبری تاکستانی به اتمام رسانید. در سال ۱۳۳۲ به قصد تحصیل علوم عقلی و نقلی به تهران سفر کرد. فقه را نزد شیخ عبدالنبی نوری، میرزا مسیح طالقانی، سیدمحمد تنکابنی و شیخ محمدرضا نوری فرا گرفت. او در این مدت جهت فراگیری حکمت به محضر اساتیدی همچون حکیم متأله میرزا حسن کرمانشاهی، فاضل تهرانی شمیرانی و میرزا محمد قمی راه یافت و علوم ریاضی را نزد میرزا ابراهیم زنجانی، شیخ علی رشتی، علی‌اکبر یزدی و شیخ محمدعلی قزوینی فرا گرفت. مجدداً در ۱۳۳۸ به قزوین بازگشت و پس از یک سال اقامت، بار دیگر اما این بار برای تدریس به تهران سفر کرد. در تهران در مدرسه عبدالله‌خان به تدریس کتب فقهی و اصولی از قبیل شرح لمعه، قوانین و نیز کتب حکمی شرح منظومه سبزواری و اشارات بوعلی سینا پرداخت. در ۱۳۴۱ پس از تشکیل حوزه علمیه قم جهت تحصیل و تدریس به این شهر مقدس رفت. در آنجا ضمن حضور در مجلس درس فقه و اصول حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، کفایه آخوند خراسانی، رسائل و مکاسب شیخ انصاری، تفسیر قرآن و به‌ویژه اسفار اربعه ملاصدرا و شرح منظومه سبزواری را تدریس کرد. حوزه گرم درس او باعث ترویج علوم الهی و رونق فلسفه و به‌ویژه حکمت متعالیه در قم گردید و علما و فضلاء بسیاری در محضر او پرورش یافتند. نقل شده که در مدت اقامت در تهران و قم از محضر اساتید دیگری همچون محمدبن معصومعلی هیدجی زنجانی، فاضل رازی، شیخ ابوالقاسم کبیر قمی، شیخ محمد رضا مسجد شاهی اصفهانی و میرزا هاشم اشکوری نیز تلمذ کرده است. حدود سال ۱۳۴۸ ش از قم به زادگاه خود قزوین مراجعت کرد و به مدت سی و چند سال، علاوه بر تدریس متون فقهی و حکمی و دروس خارج به اقامه نماز جماعت در مسجد سلطانی قزوین و حل و عقد امور مردم و مرجعیت عوام و خواص پرداخت. در سال ۱۳۸۰ ق به درخواست گروهی برای تدریس فقه و اصول و حکمت و عرفان در تهران ساکن شد و علاوه بر تدریس عمومی خارج فقه و اصول و تدریس حکمت و عرفان به برخی شاگردان خاص، در مسجد جامع به اقامه جماعت و وعظ مردم پرداخت.^۲

در مدت تدریس سید ابوالحسن رفیعی قزوینی در تهران، قم و قزوین شاگردان بسیاری در دامن او پرورش یافتند، از جمله حضرت امام خمینی (ره) - که شرح منظومه را نزد وی فراگرفت - سید جلال‌الدین آشتیانی، مدرس و مؤلف معاصر در فلسفه اسلامی به‌ویژه در حکمت متعالیه که صاحب تألیفات، تصحیحات و حواشی متعددی بر آثار حکمی ارزشمندی می‌باشد، آیت‌الله سیدرضی شیرازی، نوه میرزای شیرازی که کتاب اسفار را نزد سید ابوالحسن رفیعی خوانده و در کتاب الاسفار عن الاسفار خود که شامل تعلیقاتی بر امور عامه اسفار است، به آرای استاد خود در مباحث مختلف اشاره نموده است. آقای رفیعی اجازه اجتهادی نیز به این شاگرد خود اعطا کرده است. از شاگردان او همچنین می‌توان به غلامحسین ابراهیمی دینانی، آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی، محمد امامی کاشانی، سیدحسین نصر، سیدعلی شاهچراغی، محیی‌الدین انواری، سید ابوتراب ابوترابی قزوینی، محمد تقی شریعتمداری، حجة الاسلام حاج سیدجوادی، سیداحمد عماد، حاج سید جوادی، میرزا یحیی نوری، نجم‌الدین اعتماد زاده، نظام‌الدین قمشاهی، میرزا احمد تألهی، سیدمحمد مهدی تقوی، هادی سلیمانی، میرزا ابوالقاسم خوارزمشاهی مشهور به خرمشاهی و سیدمحسن رفیعی (فرزندش) اشاره کرد.^۳



از ویژگی‌های سید ابوالحسن رفیعی قزوینی که به‌ویژه شاگردانش به آن اشاره می‌کنند آنچه بیش از همه چشمگیر و خاص است، حافظه قوی و تبحر ویژه او در تقریرات موجز، مستدل و واضح از مباحث و موضوعات فلسفی به‌ویژه در فلسفه ملاصدرا و ابن‌سینا بوده است. او هرچند در مسائل مختلف فلسفی دارای آرای ابداعی عمده‌ای نبود، ولی تلاش و موفقیت بی‌نظیرش در مبرهن ساختن و تقریر ساده و رسای مباحث فلسفی به‌ویژه در فلسفه صدرای شیرازی قابل انکار نیست. ویژگی دیگر او که برخی شاگردانش از جمله سیدرضی شیرازی و غلامحسین ابراهیمی دینانی به آن اشاره کرده‌اند، احتیاط و مواظبت بسیار زیاد ایشان در حفظ ظواهر فقهی و شرعی هنگام ارائه مباحث فلسفی و عرفانی بوده است.^۴

سید ابوالحسن رفیعی قزوینی اول محرم‌الحرام ۱۳۹۶ هـ. ق درگذشت و پیکرش در داخل حرم شریف حضرت فاطمه معصومه (س) در قسمت بالاسر به خاک سپرده شد.^۵

این حکیم بزرگوار هیچ‌گاه به تألیف کتابی مستقل در حوزه‌های مختلف فقهی و فلسفی نپرداخت ولی مقالات و حواشی متعددی نوشته است. برخی از مهمترین آرای او در این رسالات و حواشی عبارتند از:

۱. اتحاد عاقل به معقول: این مسأله که قدمت آن به زمان فروریوس از شاگردان ارسطو می‌رسد، از بدو پیدایش فلسفه اسلامی مورد توجه و مناقشات فراوان قرار گرفته است. در حکمت متعالیه این مسأله دارای صورت و جایگاهی متفاوت و تصویری دشوار است. ایشان برای تبیین این مسأله و برهان آن دو رساله با عنوان اتحاد عاقل به معقول نگاشته است، یکی به فارسی و دیگری به عربی. در این مقالات ضمن انتقاد از بوعلی سینا که منکر اتحاد عاقل و معقول در علم به غیر است و همچنین از حاج ملاهادی سبزواری که برهان تضایف ملاصدرا را در این باب کامل نمی‌داند، به تقریری شیوا و مستدل از این بحث موافق رأی و برهان صدرالمآلهین می‌پردازد. او پس از تفکیک معقول بالذات (که همان علم یا صورت علمیه است) از معقول بالعرض (که همان اشیا و حقایق خارجی هستند) متذکر می‌شود که موضوع این مسئله، اتحاد عاقل با معقول بالذات است (که دو امر متضایف هستند و در تحقق و سنخ تحقیقشان یکسانند) نه معقول بالعرض. بر همین اساس و با توجه به استحاله عروض صورت معقوله بر عاقل گریزی نیست مگر پذیرش اینکه صورت معقوله یا معقول بالفعل را مرتبه کمال جوهریت نفس و این دو را متحد با هم بدانیم. بنابراین از میان انواع اتحاد یعنی اتحاد در وجود در عین تغایر در مفهوم (مانند اتحاد مفهوم جنس و مفهوم فصل در وجود نوع)، اتحاد دو امر محقق خارجی (که استحاله آن بدیهی است) و اتحاد دو امری که در طول یکدیگر قرار دارند، اتحاد عاقل با معقول را از نوع اخیر یعنی اتحاد دو امری عنوان می‌کند که یکی ناقص در هستی و دیگری صورت کمالیه آن ناقص است. همین سنخ از اتحاد است که ما را مجاز می‌کند در پدیده "استکمال" یک شیء، امر مستکمل را "همان" شیء پیش از استکمال بدانیم. ایشان عدم توجه به این گونه اتحاد را منشأ خطای شیخ‌الرئیس در انکار این قاعده دانسته است.^۶ این تقریر از قاعده پس از علامه رفیعی در آثار مختلف تکرار شد و گاهی نیز مورد نقد قرار گرفت.



ضمن انتقاد از
 بوعلی سینا
 که منکر اتحاد عاقل و
 معقول در علم
 به غیر است و
 همچنین از
 حاج ملاهادی سبزواری
 که برهان تضایف
 ملاصدرا را
 در این باب کامل نمی‌داند،
 به تقریری شیوا و
 مستدل از این بحث
 موافق رأی و
 برهان صدر المتألهین
 می‌پردازد.

۲. معاد: او در رساله دیگری با عنوان سخن در معاد رأی ویژه‌ای در باب معاد ارائه می‌کند. این رأی با نظر اغلب فلاسفه پیش از او حتی ملاصدرا متفاوت است. او معتقد است روح بعد از مرگ تا زمانی که ماده عنصری مستعد زندگی ابدی شود، به جسد مثالی برزخی تعلق می‌گیرد و زمانی که استعداد حاصل شود، با همان بدن برزخی مثالی به بدن خاکی تعلق می‌گیرد و از آنجا که این دو بدن در طول یکدیگر هستند، اشکال یک روح و دو بدن هم پیش نمی‌آید.^۷

۳. رجعت: ایشان در مقاله دیگری با عنوان رجعت، این مسئله را با سه مقدمه اثبات عقلی می‌کند. اول اینکه علاقه روح به بدن مادی، ذاتی روح بوده و با مرگ طبیعی از بین نمی‌رود. دوم اینکه خاصیت ضروری وجود نبی خاتم(ص) و ائمه اطهار(ع) تعلیم عمومی افراد بشری معاصر و غیر معاصر آنهاست که بروز این اثر در زمان حیات آنها به علت موانع و قواصیر انجام نشده است. و سوم استحاله دوام قسر از کمال و اثر طبیعی شیء (امتناع قسر دائمی که مانع از کمال و اثر طبیعی شیء باشد). بنابر این سه مقدمه و ادعای اینکه در زمان ظهور حضرت حجت تمامی موانع و قواصیر آثار وجود نبی اکرم(ص) و ائمه(ع) مرتفع می‌شود، رجعت ایشان ممکن، بلکه واجب و ضروری خواهد بود.^۸ ایشان در پایان این مقاله ضمن پاسخ به برخی اشکالات و شبهات می‌گوید: «ما - بعون الله و سبحانه - مسئله رجعت را عقلی نموده و به برهان حکمی ثابت نمودیم و اگر از باب شکر نعمت حق و اظهار آن گفته شود که تاکنون چنین رساله‌ای در این باب از متقدمین و متأخرین ننوشته‌اند، گزاف گفته نشده و خلاف واقع نخواهد بود.»^۹

۴. شب قدر: ایشان رساله‌ای دارد تحت عنوان در بیان حقیقت شب قدر و کیفیت اختلاف آن به حسب اختلاف آفاق. در این مقاله به بیانی مستدل، شب قدر را همچون همه حقایق دیگر از ممکنات دارای سه مرتبه عقلی، مثالی، برزخی و طبیعی مادی دانسته و تعدد شب‌های قدر را به سبب تعدد آفاق (بر این مبنا که هر حقیقتی در وجود طبیعی، متعدد است) منتسب به شب قدر طبیعی مادی دانسته است، نه وجود عقلی و برزخی آن.^{۱۰} از سید ابوالحسن رفیعی رسائل و مقالات متعدد دیگری نیز در دست است که همچون موارد بالا تقریرات مختصر و مفیدی است از موضوعات مهم فلسفی و عرفانی. از آن جمله است: در بیان تجلیه، تخلیه، تحلیل و فنا؛ سخن در حرکت جوهریه و تحولات ذاتیه؛ سخن در وحدت وجود و بیان مراد و معنی از این کلمه؛ در بیان حقیقت عمل؛ سخن در حدوث دهری و تفسیر دهر و سرمد و زمان؛ فی شرح دعاء السحر؛ معراج؛ فی الوجود الرابط و الرابطی من الاسفار؛ تحقیق حکمی و برهانی فی تشریح الاجزاء الحملیة؛ وجوب الوجود؛ تفسیر حکمی علی آیتین الاولیین من سورة یونس؛ تحقیق فی الاسفار الاربعة؛ فی أن الدور یستلزم التسلسل؛ رساله در بیان قوه مولد؛ و مقالات دیگری که در مجموعه رسائل و مقالات فلسفی توسط غلامحسین رضائزاد و غوصی در بحر معرفت توسط احمد سیاح جمع‌آوری شده است) همچنین مجموعه حواشی و تعلیقات او بر آثار حکمی، فلسفی و عرفانی توسط غلامحسین رضائزاد گردآوری شده است.

او همچنین تعلیقاتی بر برخی آثار مشهور فلسفی از جمله اسفار اربعه و منظومه و همچنین جامع الحکم احسابی و نیز تألیفاتی در مباحث فقهی مشتمل بر کتاب صلوة و زکات و خمس دارد.^{۱۱}

منابع:

ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، غلامحسین ابراهیمی دینانی، ج ۳، طرح نو، تهران، ۱۳۷۹.
 مستدرکات اعیان الشیعة، حسن الامین، ج ۳، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ هـ. ق.



او در رساله دیگری با عنوان سخن در معاد رأی و بشره‌ای
در باب معاد ارائه می‌کند. این رأی با نظر اغلب فلاسفه
پیش از او حتی ملاصدرا متفاوت است.

اتحاد عاقل به معقول، سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، مقدمه و تعلیقه حسن حسن‌زاده آملی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

غوصی در بحر معرفت، همو، تصحیح و مقدمه احمد سیاح، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۶.
مجموعه حواشی و تعلیقات بر ۱۹ کتاب کلامی، فلسفی، و حکمی، همو، تصحیح و مقدمه غلامحسین رضائزاد، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۸۶.

مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، همو، تصحیح و مقدمه غلامحسین رضائزاد، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۷.
الإسفار عن الأسفار، سید رضی شیرازی.

مصاحبه با آیه‌الله سید رضی شیرازی، حوزه، شماره ۵۰-۵۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، خرداد، تیر، مرداد، شهریور ۱۳۷۱.

الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، صدرالدين محمد شیرازی، مقدمه و تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۰.

تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سهاء، انجمن حکمت و فلسفه ایران، تهران، ۱۳۵۹.

منتخب معجم الحكماء، مرتضی مدرس گیلانی، انتخاب و تحشیه منوچهر صدوقی سهاء، تهران ۱۳۸۱.
آینه‌های فیلسوف، عبدالله نصری، سروش، تهران، ۱۳۸۰.

پی‌نوشت‌ها

۱. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷؛ مجموعه حواشی و تعلیقات بر ۱۹ کتاب کلامی، فلسفی، و حکمی، ص ۳؛ الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، ص ۱۳۲.

۲. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷؛ الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، ص ۱۳۹؛ اتحاد عاقل به معقول، ص ۲، سال ۱۳۶۲؛ منتخب معجم الحكماء، ص ۱۳؛ مجموعه حواشی و تعلیقات بر ۱۹ کتاب کلامی، فلسفی، و حکمی، ص ۶، ۷، ۸، ۲۰.

۳. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷؛ الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، ص ۱۳۹؛ الإسفار عن الأسفار، ص ۱۸، ۲۲، ۳۳؛ آینه‌های فیلسوف، ص ۴۵؛ مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، ص ۱۲۲؛ تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدر المتألهین، ص ۶۹.

۴. الشواهد الربوبية في مناهج السلوكية، ص ۱۳۹؛ الإسفار عن الأسفار، ص ۳۳؛ آینه‌های فیلسوف، ص ۴۵، ۵۳، ۱۸۵؛ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، ص ۲۲۵ و ۲۲۸.

۵. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷.

۶. مجموعه رسائل و مقالات فلسفی، صص ۵۰-۴۵.

۷. همان، صص ۷۶-۶۳.

۸. همان، صص ۱-۲۲.

۹. همان، ص ۲۱.

۱۰. غوصی در بحر معرفت، صص ۷۶-۷۱.

۱۱. مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۷.

